

مقاومت جهانی
در برابر ترامپ؟

منتقدان همواره آمریکا را کشوری خودخواه و قلدرمآب توصیف کرده‌اند که به‌رفاه دیگران اهمیتی نمی‌دهد. اما سیاست‌های تجاری دونالد ترامپ چنان گمراه‌کننده، بی‌ثبات و ویرانگر بود که حتی اغراق‌آمیزترین توصیفات کاریکاتوری نیز در برابر آن، مدح و ستایش به نظر می‌رسد. با این حال، اقدامات نابخردانه او در حوزه تجارت، به‌شکلی کنباه‌آمیز، پرده از ناکامی‌های دیگر کشورها نیز برداشت؛ چرا که آن‌ها را واداشت تا به این بیاندیشند که واکنش هایشان چه چیزی را در باره اهداف و توانایی‌های خودشان بر ملا می‌کند.

معروف است که شخصیت واقعی انسان در سختی‌ها آشکار می‌شود؛ این اصل درباره کشورها و نظام‌های سیاسی‌شان نیز صادق است. هجوم تمام‌عیار ترامپ به اقتصاد جهانی برای همه غافلگیرکننده بود، اما در عین حال فرصتی در اختیار اروپا، چین و دیگر قدرت‌های متوسط قرار داد تا نشان دهند که کیستند و از چه اصولی دفاع می‌کنند. از این منظر، اتحادیه اروپا شاید بزرگ‌ترین مایه ناامیدی بود. این اتحادیه از نظر قدرت خرید، تقریباً قدرتی برابر با آمریکا دارد. افزون بر این، با وجود قدرت گرفتن راست افراطی، اکثر کشورهای اروپایی از غلتیدن دوباره به ورطه اقتدارگرایی پرهیز کرده‌اند. اروپا به‌عنوان مجموعه‌ای از دولت-ملت‌های دموکراتیک که بلندپروازی‌های ژئوپلیتیکی‌اش تهدیدی برای دیگران نیست، هم قدرت و هم مشروعیت اخلاقی لازم برای رهبری جهان را در اختیار دارد. اما در عمل، با تردید و تعلل، نهایتاً در برابر خواسته‌های ترامپ تسلیم شد. جاه‌طلبی‌های اروپا همواره محدود و کوتاه‌بینانه بوده است، اما با کوتاه آمدن در برابر ترامپ، حتی مشخص نیست که آیا توانسته منافع آتی خود را نیز تأمین کند یا نه. در مقابل، چین بازی سرسخانه‌تری را در پیش گرفت؛ با اعمال تعرفه‌های متقابل به شدت تلافی کرد و صادرات مواد معدنی استراتژیک به آمریکا را محدود ساخت. سیاست‌های خارجی کینه‌توزانه و مخرب ترامپ، به چین کمک کرد تا نفوذ خود را گسترش دهد و اعتبارش را به‌عنوان شریکی قابل اعتماد برای کشورهای در حال توسعه تقویت کند. با این حال، رهبران چین نیز نتوانسته‌اند الگویی عملی برای یک نظم اقتصادی جهانی پسانتولبرال ارائه دهند.

در اِین میان، کشورهای کوچک‌تر و قدرت‌های متوسط، اغلب رویکردی منفعلانه در پیش گرفتند و با چانه‌زنی‌های جداگانه با ترامپ، تنها به دنبال کاهش آسیب به اقتصاد خود بودند. استثنای بزرگ در این میان، برزیل است. رئیس‌جمهور این کشور، لویز ایناسیو لولا داسیلوا، رهبری مثال‌زدنی و کم‌نظیر از خود نشان داده و از کرش در برابر ترامپ سر باز زده است. او با وجود مواجهه با تعرفه‌های تنبیهی ۵۰ درصدی و حملات شخصی‌گرنده، با افتخار از حاکمیت ملی، دموکراسی و استقلال دستگاه قضایی کشورش دفاع کرده است. به تعبیر نیویورک‌تایمز: «شاید هیچ رهبر جهانی به اندازه آقای لولا، چنین سرسختانه در برابر پریزدنت ترامپ نایستاده‌باشد.»

جای خالی چنین رهبری در سراسر جهان به‌شدت احساس می‌شود. در هند، پرانات پوتو، تحلیلگر سیاسی، می‌گوید که بسیاری از نخبگان سیاسی و اقتصادی در پی یافتن راهی برای سازش با ترامپ هستند. اما به‌باور مهتا، این رویکرد حاصل درک نادرست آن‌ها از ترامپ و جهانی است که اومی‌سازد. در هر مقطع دیگری از تاریخ معاصر، رفتار دولت ترامپ بی‌درنگ همان چیزی نامیده می‌شد که واقعاً هست: امپریالیسم، به همین سادگی. با امپریالیسم باید همواره مبارزه کرد، نه سازش؛ و این مبارزه نیازمند قدرت و اراده است. البته آمریکا دهه‌هاست که افسار اقتصاد جهان را در دست دارد. دلار جایگاه مستحکمی دارد و بازار آمریکا همچنان اهمیتی بی‌بدیل دارد. اما این مزیت‌ها دیگر به قدرت گذشته نیستند. این که کشوری با تنها ۱۵٪ از اقتصاد جهان (بر اساس برابری قدرت خرید) بتواند قواعد بازی را برای دیگران تعیین کند، با منطق سیاسی و قوانین جاذبه اقتصادی در تضاد است.

شاید چالش اصلی، یافتن همین هدف مشترک باشد. جهان امروز به ایده‌ها و اصولی نوین نیاز دارد تا هم از بی‌ثباتی‌ها و نابرابری‌های «ابر جهانی‌شدن» و هم از پیامدهای ویرانگر سیاست‌های «گدا ساختن همسایه» در امان بماند. انتظار یک توافق جدید «برتون وودز» واقع‌بینانه نیست، اما قدرت‌های متوسط و اقتصادهای بزرگ می‌توانند با اجرای این اصول در سیاست‌های داخلی و خارجی خود، الگویی عملی ارائه دهند. اقدامات ترامپ آینه‌ای در برابر دیگران قرار داده است و اکثرشان باید بپذیرند که تصویری که در آن می‌بینند، چندان خوشایند نیست. خوشبختانه این درمادگی ظاهری، پدیده‌ای از خودخواسته است. هنوز برای انتخاب عزت‌نفس به جای تحقیر، دیر نیست.



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

رهبران ارمنستان و آذربایجان روز جمعه در کاخ سفید یک بیانیه مشترک را امضا کردند که ضمن فراهم کردن فرصتی برای پایان دادن به دهه‌ها تنش میان دو جمهوری استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی، امتیازات ویژه‌ای را در اختیار ایالات متحده قرار می‌دهد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که در ماه‌های اخیر اشتیاق فراوان خود را برای میانجی‌گری برای پایان دادن به مخاصمات بین‌المللی نشان داده، روز جمعه ۸ اگوست میزبان نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان بود تا شانس خود را برای پایان دادن به مناقشه‌ای که دهه‌هاست در قفقاز جنوبی جریان دارد، امتحان کنند. در این نشست، بیانیه‌ای مشترک به امضای رهبران ارمنستان و آذربایجان رسید که راه را برای عادی‌سازی کامل روابط دو کشور باز می‌کند. طبق این چارچوب، ایالات متحده حق انحصاری توسعه کریدوری را که در سال‌های اخیر با مخالفت برخی بازیگران مسئله قفقاز از جمله ایران مواجه بود، به دست آورد. رئیس‌جمهور آمریکا در این نشست گفت: «مدت‌هاست که این دو کشور در حال مبارزه با یکدیگر هستند و حالا قرار است آن‌ها برای مدتی طولانی به دوستانی خوب برای یکدیگر تبدیل شوند.» ترامپ که امیدوار است نتیجه تلاش‌هایش برای پایان دادن به مناقشات بین‌المللی به دریافت جایزه صلح نوبل ختم شود، افزود: «برای سال‌ها بسیاری تلاش کردند تا راهی برای حل و فصل این مناقشه پیدا کنند. اتحادیه اروپا تلاش‌های زیادی کرد، روس‌ها به سختی روی این مسئله کار کردند و موفق نشدند. جو خواب‌آلود (بایدن) هم تلاش خود را کرد اما شما دیدید که در پایان چه اتفاقی افتاد.»

رهبران ارمنستان و آذربایجان هفته گذشته در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی با یکدیگر دیدار و درباره شرایط صلح گفت‌وگو کردند با این حال گشایشی در این موضوع حاصل نشد تا همه چیز به دیدار رهبران دو کشور در کاخ سفید موکل شود.

دولت ترامپ از ماه مارس، زمانی که استیوینسکاف، فرستاده ویژه

رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه سفر کرد، تلاش‌هایی برای میانجی‌گری

میان آذربایجان و ارمنستان به منظور دستیابی به یک توافق پایدار

برای پایان جنگ را آغاز کرده بود.

▼ محتوای بیانیه مشترک چیست؟

متن بیانیه مشترک منتشر نشده اما از اظهار نظرهای مقام‌های رسمی و نقل قول‌ها از منابع آگاه می‌توان به تصویری از کلیات این بیانیه و محتوای احتمالی توافق صلح ارمنستان و آذربایجان دست یافت.

بر اساس این بیانیه، کریدوری جدید در منطقه احداث خواهد شد که به جمهوری آذربایجان اجازه می‌دهد از طریق خاک ارمنستان به نخجوان دسترسی زمینی پیدا کند. همچنین حق انحصاری توسعه این کریدور در اختیار ایالات متحده قرار می‌گیرد و کریدور مذکور «مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» نام خواهد گرفت. به نوشته اسوشیتد پرس و به نقل از یک مقام آگاه آمریکایی، این کریدور احتمالاً شامل خطوط ریلی، خطوط انتقال نفت و گاز، فیبر نوری و مجوز رفت و آمد افراد و انتقال کالا خواهد بود.

ترامپ در این زمینه گفت: «اما انتظار داریم به سرعت شاهد توسعه زیرساخت‌ها در منطقه قفقاز توسط شرکت‌های آمریکایی باشیم. شرکت‌های آمریکایی بسیار هیجان‌زده‌اند که در ارمنستان و آذربایجان حضور پیدا کنند.»

به گفته رئیس‌جمهور آمریکا، «دو کشور ارمنستان و آذربایجان متعهد شده‌اند که هرگونه درگیری را برای همیشه متوقف کنند، روابط دیپلماتیک، کنسولی و تجاری را آغاز کنند یا توسعه دهند و به تمامیت ارضی و استقلال یکدیگر احترام بگذارند.»

علی‌اف هم ضمن تأیید مواضع ترامپ گفت که «این توافق نقطه آغاز یک صلح طولانی و پایدار و درخشان در قفقاز خواهد بود.»

با توجه به خطوط قرمز که آذربایجان پیشتر ترسیم کرده بود می‌توان انتظار داشت که این خطوط قرمز در بیانیه اخیر گنجانده شده‌اند که باکو حاضر به پذیرش توافق شده است. جمهوری آذربایجان خواستار این شده بود که ارمنستان ادعاها درباره منطقه ناگورنو قره‌باغ را کنار بگذارد و این ادعاها از قانون اساسی ارمنستان حذف شوند. دومین خواسته باکو، انحلال گروه مینسک در سازمان امنیت و همکاری اروپا بود که سال ۱۹۹۴ برای تسهیل حل و فصل این مناقشه در زامدت تشکیل شد.

روزنامه واشنگتن پست نوشته است: «دو کشور موافقت کردند تا نامه مشترکی را امضا و رسماً درخواست کنند که سازمان امنیت و همکاری اروپا، گروه مینسک را منحل کند.» بر اساس گزارش‌ها، آمریکا موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای را با آذربایجان و ارمنستان به طور جداگانه به امضا خواهد رساند. در امضای موافقتنامه میان ایالات متحده و آذربایجان، محدودیت‌های پیشین برای همکاری امنیتی با آذربایجان که به‌خاطر نقض گسترده حقوق بشر در این کشور وضع شده بود، برداشته خواهد شد.

▼ کار ارمنستان و آذربایجان چگونه به اینجا رسید؟

سپتامبر ۲۰۲۳ جمهوری آذربایجان با حمله نظامی به منطقه ناگورنو-قره‌باغ موفق شد کل این منطقه مورد مناقشه را تصرف کند. در پی این اتفاق، نزدیک به ۱۰۰ هزار ارمنی تبار که در این منطقه ساکن بودند، از هراس زندگی تحت حکومت باکو تصمیم به ترک ناگورنو-قره‌باغ گرفته و در کمتر از یک هفته به ارمنستان رفتند. این پیروزی نظامی، باعث شد تا جمهوری آذربایجان بتواند بسیاری از خواسته‌های خود را که برای نزدیک به یک قرن اختلافاتی را میان دو جمهوری اتحاد جماهیر شوروی و بعدتر دو جمهوری



تکس: Reuters

تحولات
قفقاز

مسیر ترامپ

چرا روسیه بازنده اصلی توافق آذربای

قدرت‌های اروپایی به جنگ ادامه دادند. این جنگ که با پیروزی‌های بزرگ برای آذربایجان همراه بود سر انجام با آتش بس ۹ نوامبر که با دخالت روسیه به امضای رسید پایان یافت. باکو در این جنگ ۶ هفته‌ای موفق شد بخش عمده‌ای از مناطق مورد اختلاف را تصرف کند و تنها بخش کوچکی از ناگورنو-قره‌باغ در تصرف ارمنستان باقی ماند. بر اساس این آتش بس، کریدوری به نام لاپچین شکل گرفت که ارتباط جغرافیایی میان ارمنستان و ناگورنو-قره‌باغ برقرار بماند. حفاظت از این کریدور بر عهده نیروهای حافظ صلح روسیه گذاشته شد.

مذاکرات و تلاش‌ها برای حل و فصل اختلافات به‌ویژه در قالب گروه مینسک ناموفق باقی ماند. افزایش تنش‌ها میان باکو و ایروان در سپتامبر ۲۰۲۲ به یک درگیری دوره‌ی منجر شد و آذربایجان حملاتی را علیه خاک ارمنستان ترتیب داد. بار دیگر با دخالت روسیه این درگیری به آتش بس منجر شد اما درگیری‌هایی پراکنده همچنان میان طرفین وجود داشت.

دسامبر ۲۰۲۲ گروهی از فعالان آذربایجانی که در واقعیت وابسته به دولت باکو بودند اقدام به تجمع و مسدود کردن کریدور لاپچین کردند و مدعی شدند که این اقدام را در اعتراض به فعالیت معادن و آلودگی‌های زیست‌محیطی در منطقه ناگورنو-قره‌باغ انجام می‌دهند. حفاظت صلح روسی نیز اراده‌ای جدی برای باز کردن این مسیر نداشتند و همین امر به کمبود گسترده کالاهای اساسی در ناگورنو-قره‌باغ منجر شد. در آوریل ۲۰۲۳، آذربایجان یک ایست بازرسی ایجاد کرد تا تمام ورودی‌ها به ناگورنو-قره‌باغ و خروجی‌ها از این منطقه با نظارت مستقیم باکو باشد.

سپتامبر ۲۰۲۳، تنها چند روز پس از توافق برای بازگشایی کریدور لاپچین برای ارسال کمک‌ها به ناگورنو-قره‌باغ، باکو «عملیاتی ضدتروریستی» را در این منطقه آغاز کرد و ظرف دو روز توانست کل منطقه ناگورنو-قره‌باغ را تصرف و برتری خود را تثبیت کند. بعد از این درگیری‌ها مذاکرات میان طرفین بار دیگر آغاز شد.

▼ برنده‌ها و بازنده‌ها

بزرگ‌ترین بازنده توافق اخیر میان آذربایجان و ارمنستان را می‌توان روسیه دانست. دیدار رهبران ارمنستان و آذربایجان این بار نه در کرم‌لین که در کاخ سفید برگزار شد و دو طرف بیانیه‌ای را به امضا رساندند که عملاً منافع روسیه را در منطقه‌ای که تا چند سال قبل حیط خلوت روسیه به حساب می‌آمد نادیده می‌گرفت. در این

با توجه به خطوط قرمزی که آذربایجان پیشتر ترسیم کرده بود می‌توان انتظار داشت که این خطوط قرمز در بیانیه اخیر گنجانده شده‌اند که باکو حاضر به پذیرش توافق

حاضر به پذیرش توافق شده است. جمهوری آذربایجان خواستار این شده بود که ارمنستان ادعاها درباره منطقه ناگورنو قره‌باغ را کنار بگذارد و این ادعاها از قانون اساسی ارمنستان حذف شوند.

دومین خواسته باکو، انحلال گروه مینسک در سازمان امنیت و همکاری اروپا بود که سال ۱۹۹۴ برای تسهیل حل و فصل این مناقشه در زامدت تشکیل شد

مستقل آذربایجان و ارمنستان ایجاد کرده بود، تحمیل کند. ریشه این اختلافات به ۱۹۲۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی خودمختاری منطقه ناگورنو-قره‌باغ را که در درون جمهوری آذربایجان واقع شده بود، اعلام کرد. بر اساس داده‌های تاریخی، در آن زمان ۹۵ درصد ساکنان آن منطقه ارمنی تبار بودند. این موضوع باعث ناراضایی آذربایجانی‌ها شد با این حال، دست برتر مسکو مانع از این می‌شد که ادعاها بر سر این منطقه به درگیری جدی تبدیل شوند.

در سال ۱۹۸۸ پارلمان محلی منطقه ناگورنو-قره‌باغ با تصویب قطعنامه‌ای تمایل خود را برای الحاق به جمهوری ارمنستان (به رغم واقع شدن درون خاک آذربایجان) اعلام کرد. در شرایطی که اتحاد جماهیر شوروی با مشکلات زیادی مواجه بود درگیری‌ها میان ارمنستان و آذربایجان آغاز شد و با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ که همزمان با تشکیل جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان و اعلام استقلال ناگورنو قره‌باغ این درگیری تبدیل به یک جنگ تمام‌عیار شد.

جنگ اول قره‌باغ از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید و سی هزار تلفات برجای گذاشت. ارمنستان در این جنگ توانست کنترل منطقه ناگورنو-قره‌باغ را به دست گیرد و حدود ۲۰ درصد از خاک آذربایجان را اشغال کند. در ۱۹۹۴ با دخالت روسیه آتش‌بسی که به پروتکل بیشکک موسوم شد مورد موافقت قرار گرفت. بر اساس این آتش‌بس، منطقه ناگورنو-قره‌باغ به عنوان یک منطقه خودمختار شناخته شد که توسط دولتی محلی با مرکزیت استپانکرت اداره می‌شود. با این وجود، این دولت محلی ارتباط بسیار نزدیک اقتصادی، سیاسی و نظامی با ارمنستان داشت و عملاً بخشی از ارمنستان به حساب می‌آمد.

این آتش‌بس به طور رسمی تا سپتامبر ۲۰۲۰ پایرباقی ماند اما در این مدت بارها طرفین با یکدیگر درگیر شدند و تلفات گسترده‌ای را بر یکدیگر تحمیل کردند. درگیری‌های آوریل ۲۰۱۶ از جمله این درگیری‌ها بود که پس از ۴ روز متوقف شد و گفت‌وگوهایی میان باکو و ایروان شکل گرفت اما این گفت‌وگوها بدون نتیجه باقی ماند و طرفین یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم کردند.

درگیری‌های پراکنده در مرز آذربایجان با منطقه ناگورنو-قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ سرانجام به جنگی بزرگ در سپتامبر آن سال منتهی شد و دو طرف با رد میانجی‌گری و دخالت سازمان ملل، روسیه، آمریکا و